

ترجمان خواندن

قدرت خواندن
از سقراط تا توییتز

فرانک فوردی

ترجمه محمد معماریان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



فهرست

- ۱۳ سخن ناشر
- ۱۵ پیشگفتار
- ۱۹ مقدمه
- ۳۳ [۱] تناقضات فرهنگی سواد**
- ۳۳ هشدار نویسندگان درباره نوشتن
- ۳۶ تأثیر رسانه
- ۳۹ ابهام سواد
- ۴۴ تردید ماندگار در قبال سواد
- ۵۲ احترام حسرت آلود
- ۵۳ نتیجه‌گیری
- ۵۵ [۲] خواندن در جست‌وجوی معنا**
- ۵۶ نه فقط کاربردی
- ۶۰ دین و تقدیس متن
- ۶۲ کتاب خوانی مسیحی
- ۶۶ اولین رده‌های خویشتن
- ۷۰ مطالعه انسان‌گرا
- ۷۳ خواندن خردورزانه
- ۷۶ جدی‌گرفتن خواندن
- ۷۹ به سوی عشق مطالعه

۸۳	[۳] دموکراتیک شدن مطالعه و شیوع کتاب خوانان
۸۳	شیوع کتاب خوانان
۹۰	اصلاحات: درون نگارشدن مطالعه
۹۵	تشکیل عامه کتاب خوان
۹۷	خواننده برانزده؟
۱۰۳	هشدارها درباره انقلاب در صنعت چاپ
۱۰۷	بحث درباره انقلاب چاپ
۱۱۱	[۴] روشنگری: انقلاب خوانندگان
۱۱۲	انقلاب مطالعه
۱۱۹	گسترده خوانی
۱۲۵	قواعد مطالعه
۱۲۸	یک توازن پرمخاطره
۱۳۵	از سیاست وزی به اخلاقیات
۱۳۹	[۵] اثر ورتز: خواننده در معرض تهدید
۱۴۰	انتقال اضطراب های اخلاقی به خوانندگان
۱۴۸	خودکشی: خوانندگان در معرض تهدید
۱۵۲	«بیماری» انگلیسی و تأثیر رمان
۱۶۰	تأثیر آن بر خوانندگان چه بود؟
۱۶۵	وحشت از رسانه
۱۶۸	«اثر ورتز»
۱۷۱	[۶] مطالعه و سلامت: یک معمای ماندگار
۱۷۳	اخلاق و جسم
۱۷۸	اشتهای سیری ناپذیر
۱۸۲	سم اخلاقی
۱۸۵	اختلال کم توجهی چگونه شکل گرفت؟
۱۹۰	قیاس جنجالی
۱۹۴	اجبار به پزشکی سازی

۱۹۷	[۷] وضع بغرنج مطالعه
۱۹۸	طبقه کتاب خوان
۲۰۴	هویت بخشی
۲۱۱	جامعه پذیری و مطالعه
۲۲۰	بحران مطالعه
۲۲۶	راستی آزمایی واقعیات
۲۲۹	[۸] از افسون زدگی تا سرخوردگی
۲۳۱	کارزار سوادآموزی یونسکو
۲۳۵	سرخوردگی از مطالعه
۲۳۹	ضربه مک لوهان
۲۴۳	خسران قضاوت
۲۴۹	بحران خواندن؟
۲۵۲	کدام بحران؟ ندای خرسندی
۲۵۴	سردرگمی هردو جبهه
۲۵۷	نتیجه گیری: گریزاز محتوا
۲۵۹	گریزاز محتوا
۲۶۴	خیال بازگشت به عصر پیشاگوتنبرگ
۲۶۸	همان همیشگی؟
۲۷۲	کودک پنداری خوانندگان
۲۷۵	بی نوشت ها
۳۱۱	منابع
۳۳۵	واژه نامه
۳۳۹	نمایه

راه حلی برای مخلصه‌های فراروی خود می‌دانستند. در سنت‌های یهودی و مسیحی، مطالعه به جایگاه یک فضیلت اخلاقی، به جایگاه واسطه‌ای برای دستیابی به حقیقت، رسیده بود؛ از رنسانس بدین سو، کتاب‌خوانی هادی و راهنمای سفر به سوی کشف خویشتن بود؛ عصر روشنگری کتاب‌خوان را داور عقلانیت و پیشرفت می‌دانست؛ در نظر دموکرات‌ها و انقلابی‌ها، مطالعه منبعی اخلاقی و فکری برای حیات عمومی پرنشاط و ابزار دگرگونی اجتماعی بود.

در قرن هجدهم، ایده «عشق مطالعه» در بسیاری از نقاط جهان غربی پا گرفت، و مطالعه کاری قلمداد می‌شد که فی‌نفسه حائز ارزش است. در قرن نوزدهم، کتاب‌خوانی را سرچشمه بهبود خویشتن می‌دانستند، که به بسیاری افراد انگیزه می‌داد خودشان، یا با کمک اعضای خانواده، خواندن بیاموزند. حتی در بخش عمده قرن بیستم، سواد هم وسیله‌ای برای دستیابی به روشنگری یا لذت، و هم ابزاری برای کمک به حل مشکلات مرتبط با فقر و رکود اقتصادی دانسته می‌شد.

پس چه چیزی عوض شده است؟ عصر ما اولین فصل تاریخ نیست که اضطراب‌ها و دلواپسی‌هایی درباره نقش مطالعه و اثر آن بر جامعه دارد. همان‌طور که در فصل‌های بعدی گفته‌ایم، مطالعه همواره کانون مجادله و نگرانی بوده است. اما آن نخ تسمیحی که همه اجزای فهرست روزافزون اضطراب‌های معاصر را به هم وصل می‌کند از روند نگران‌کننده‌تری حکایت می‌کند: جوامع مدرن به وضوح در تصریح به ارزش‌های فرهنگی‌شان مشکل دارند. بسیاری از صداهای پرنفوذ عمیقاً درباره ارزش و آینده مطالعه دودل شده‌اند. حتی آموزگاران و نظریه‌پردازان سواد هم جایگاه مقتدر فرهنگی سواد را زیر سؤال برده‌اند.

ابداع و شیوع انواع جدید سواد (سواد بصری، سواد شنیداری، سواد رایانه‌ای، سواد هیجانی، سواد جنسی، سواد اقلیمی، سواد رسانه‌ای، سواد چندفرهنگی، سواد مالی) تلویحاً جایگاه منحصربه‌فرد و اقتدار فرهنگی سواد را زیر سؤال می‌برد. اگر مطالعه فقط یک نوع از انواع سواد باشد، مبتذل می‌شود.

هدف این کتاب بررسی آن خاستگاه‌ها و عوامل ذی‌نفوذ تاریخی است که به بحث شیوه تفکر ما درباره مطالعه‌اند، تا بفهمیم تلقی امروزی جامعه از این عمل چه ویژگی متمایزی دارد. میل امروزی به کاستن از ارزش و اقتدار کتاب‌خوانی به چالش می‌کشیم و استدلال می‌کنیم که، علی‌رغم نوآوری‌های فناورانه و نفوذ رسانه‌های جدید، آن آرمان انسان‌گرایانه از خواننده بصیری که قادر به قضاوت مستقل است باید آرمان فرهنگی امروز نیز باشد.

نگرانی‌های امروزی پیرامون اثر مضر فناوری دیجیتال و اینترنت بر سواد و فرد کتاب‌خوان نابجاست. پرورش هویت فردی، از طریق مطالعه، امکان‌های بی‌شماری برای رشد فردی فراهم می‌سازد، و چالش فراروی جامعه امروز فرهنگی و سیاسی است، نه فناورانه.

پارادکس سقراطی

که از زبان سقراط می‌نوشت، اولین هشدار را درباره مشتاقان مطالعه داد. با گذشت سواد نگران بود، تا حدی به این دلیل که اعتقاد داشت سواد مسئولیت خطیری را از دوش افراد برمی‌دارد. سقراط، در مقام استعاره‌ای برای نوشتن، از واژه یونانی *pharmakon* (داروی مخدر) استفاده می‌کرد تا بیانگر این پارادکس باشد که خواندن هم می‌تواند دوا باشد و هم سم. در سده‌های پس از آن، این پارادکس در تنگی میان دو تلقی از مطالعه متبلور شد: واسطه‌ای مفید برای روشنگری و ابزاری، و کانالی برای طرح پرسش‌های دلهره‌آوری که پیش روی نظم اخلاقی قرار دارد.

سقراط هشدار می‌داد که ایده‌های مکتوب حیاتی از آن خود می‌یابند. گفت‌وگوهای شفاهی، همانند آنچه بین سقراط و هم‌صحبتانش می‌گذشت، میان افرادی با جایگاه مشابه و رسوم مشترک رخ می‌داد، آن‌هم در یک محیط فرهنگی محصور و امن. ولی واکنش‌ها و رفتار خواننده دور از دسترس را نمی‌توان سنجید. سقراط می‌گفت نوشته‌جات قدرت تمییز ندارند چرا که «به هر جا سرک می‌کنند نوشته میان خواننده‌ای که آن را می‌فهمد و از محتوایش سود می‌برد با کسی که گمراه و سردرگم می‌شود فرق نمی‌گذارد. او اخطار می‌داد که هر نوشته هم به